



پیام حضرت آیت الله خامنه‌ای به جوانان در اروپا و آمریکا شمالی.

رهبر معظم انقلاب اسلامی پیامی را به زبان انگلیسی خطاب به جوانان در اروپا و آمریکا شمالی صادر فرمودند.
ترجمه فارسی متن اصلی پیام حضرت آیت الله خامنه‌ای که پایگاه اطلاع‌رسانی ir.Khamenei آن را منتشر کرده است، به شرح زیر است:

«بسم الله الرحمن الرحيم»

به عموم جوانان در اروپا و امریکا شمالی

حوادث اخیر در فرانسه و وقایع مشابه در برخی دیگر از کشورهای غربی مرا متقاعد کرد که درباره‌ی آنها مستقیماً با شما سخن بگویم. من شما جوانان را مخاطب خود قرار میدهم؛ نه به این علّت که پدران و مادران شما را ندیده می‌انگارم، بلکه به این سبب که آینده‌ی ملّت و سرزمینتان را در دستان شما می‌بینم و نیز حسّ حقیقت‌جویی را در قلبه‌ای شما زنده‌تر و هوشیارتر می‌باشم. همچنین در این نوشته به سیاستمداران و دولتمردان شما خطاب نمی‌کنم، چون معتقدم که آن‌اند آگاهانه راه سیاست را از مسیر صداقت و درستی جدا کرده‌اند.

سخن من با شما درباره‌ی اسلام است و به‌طور خاص، درباره‌ی تصویر و چهره‌ای که از اسلام به شما ارائه می‌گردد. از دو دهه پیش به این سو یعنی تقریباً پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تلاش‌های زیادی صورت گرفته است تا این دین بزرگ، در جایگاه دشمنی ترسناک نشانده شود. تحریک احسان‌رعب و نفرت و بهره‌گیری از آن، متأسّفانه سابقه‌ای طولانی در تاریخ سیاسی غرب دارد. من در اینجا نمی‌خواهم به «هرالس‌های» گوناگونی که تاکنون به ملّتهای غربی المقاء شده است، پردازم. شما خود با مروری کوتاه بر مطالعات انتقادی اخیر پیرامون تاریخ، می‌بینید که در تاریخ‌نگاری‌های جدید، رفتارهای غیرصادقانه و مژوّرانه‌ی دولتهای غربی با دیگر ملّتها و فرهنگ‌های جهان نکوهش شده است. تاریخ اروپا و امریکا از برده‌داری شرمسار است، از دوره‌ی استعمال سرافکنده است، از ستم بر رنگین‌پوستان و غیر مسیحیان خجل است؛ محقّقین و موّرخین شما از خونریزی‌هایی که به نام مذهب بین کاتولیک و پروتستان و یا به اسم ملّت و قومیّت در جنگهای اول و دوم جهانی صورت گرفته، عمیقاً ابراز سرافکندگی می‌کنند.

این به‌خودی خود جای تحسین دارد و هدف من نیز از بازگوکردن بخشی از این فهرست بلند، سرزنش تاریخ نیست، بلکه از شما می‌خواهم از روشنفکران خود پرسید چرا وجودان عمومی در غرب باید همیشه با تأخیری چند ده ساله و گاهی چند ساله بیدار و آگاه شود؟ چرا بارنگری در وجودان جمعی، باید معطوف به گذشته‌های دور باشد نه مسائل روز؟ چرا در موضوع مهمی همچون شیوه‌ی برخورد با فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، از شکل‌گیری آگاهی عمومی جلوگیری می‌شود؟

شما بخوبی میدانید که تحقیر و ایجاد نفرت و ترس موهوم از «دیگری»، زمینه‌ی مشترک تمام آن

سودجویی‌های ستمگرانه بوده است. اکنون من میخواهم از خود پرسید که چرا سیاست قدیمی هر اس افکنی و نفرت پر اکنی، این بار با شدتی بیسابقه، اسلام و مسلمانان را هدف گرفته است؟ چرا ساختار قدرت در جهان امروز مایل است تفكر اسلامی در حاشیه و انفعال قرار گیرد؟ مگر چه معانی و ارزشها ای در اسلام، مزاحم برنامه‌ی قدرتها بزرگ است و چه منافعی در سایه‌ی تصویرسازی غلط از اسلام، تأمین میگردد؟ پس خواسته اول من این است که درباره‌ی انگیزه‌های این سیاهنمایی گسترده علیه اسلام پرسش و کاویش کنید.

خواسته دوم من این است که در واکنش به سیل پیشداوری‌ها و تبلیغات منفی، سعی کنید شناختی مستقیم و بیواسطه از این دین به دست آورید. منطق سليم اقتضاء میکند که لااقل بدانید آنچه شما را از آن میگیریزی‌اند و میترسندند، چیست و چه ماهیتی دارد. من اصرار نمیکنم که برداشت من یا هر تلقی دیگری از اسلام را بپذیرید بلکه میگویم اجازه ندهید این واقعیت پویا و اثربدار در دنیا امروز، با اغراض و اهداف آلوهی به شما شناسانده شود. اجازه ندهید ریاکارانه، ترویجیست‌های تحت استخدام خود را به عنوان نمایندگان اسلام به شما معرفی کنند. اسلام را از طریق منابع اصیل و مأخذ دست اول آن بشناسید. با اسلام از طریق قرآن و زندگی پیامبر بزرگ آن (صلی الله علیه و آله و سلّم) آشنا شوید. من در اینجا مایل پرسم آیا تاکنون خود مستقیماً به قرآن مسلمانان مراجعه کرده‌اید؟ آیا تعالیم پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلّم) و آموزه‌های انسانی و اخلاقی او را مطالعه کرده‌اید؟ آیا تاکنون به جز رسانه‌ها، پیام اسلام را از منبع دیگری دریافت کرده‌اید؟ آیا هرگز از خود پرسیده‌اید که همین اسلام، چگونه و بر مبنای چه ارزیشهایی طی قرون متداول، بزرگترین تمدن علمی و فکری جهان را پروریش داد و برترین دانشمندان و متفکران را تربیت کرد؟

من از شما میخواهم اجازه ندهید با چهره پردازی‌های موهن و سخیف، بین شما و واقعیت، سد عاطفی و احساسی ایجاد کنند و امکان داوری شکسته را از شما سلب کنند. امروز که ایزاره‌ای ارتباطاتی، مرزهای جغرافیایی را شکسته است، اجازه ندهید شما را در مرزهای ساختگی و ذهنی محصور کنند. اگر چه هیچکس به صورت فردی نمیتواند شکافهای ایجاد شده را پر کند، امّا هر یک از شما میتواند به قصد روشنگری خود و محیط پیرامونیش، پلی از اندیشه و انصاف بر روی آن شکافها بسازد. این چالش از پیش طراحی شده بین اسلام و شما جوانان، اگر چه تاکوار است امّا میتواند پرسش‌های جدیدی را در ذهن کنگارو و جستجوگر شما ایجاد کند. تلاش در جهت یافتن پاسخ این پرسش‌ها، فرصت مغتنمی را برای کشف حقیقت‌های نو پیش روی شما قرار میدهد. بنابراین، این فرصت را برای فهم صحیح و درک بدون پیشداوری از اسلام از دست ندهید تا شاید به یمن مسئولیت‌پذیری شما در قبال حقیقت، ایندگان این برده از تاریخ تعامل غرب با اسلام را با آزردگی کمتر و وجودانی آسوده‌تر به نگارش درآورند.

سیّدعلى خامنه‌ای

۱۳۹۳/۱۱/۱»